

عوامل خاص موثر در بزهکاری زنان

شادی آجیلیان

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (دامغان)

چکیده

زنان در خانواده و جامعه نقشی مهم و اساسی دارند. لذا اگر این طبقه از جامعه دچار تالان، انحراف شوند، کل جامعه تهدید و ملتهب خواهد شد. زنان عشر حاضر بیش از زنان دیگر اعصار از چارچوب خانه خارج شده آزادی بیشتری پیدا کرده و همچنین در معرض آسیب های بسیار واقع شده اند. با نگاهی به زندان و بازداشتگاه زنان می توان پی برد که عده ای از آنان به جرگه بزهکاران و مجرمان پیوسته اند که عوامل بسیاری در این امر دخیل اند. حدود نیمی از پیکره اجتماع را زنان تشکیل می دهند: از آنجا که در هیچ جامعه ای نمی توان به طور مطلق جرم را از میان برد پژوهش در زمینه علل ارتکاب جرم چه بسا راهگشایی برای جلوگیری از ازدیاد جرم برای جوامع باشد. اقدامات پیشگیرانه به منزله واکسیناسیون جامعه در مقابل جرم است و چه بسا به دو صورت پیشگیری قبل از تحقق جرم و پیشگیری از افزایش آثار مخرب جرم و پس از وقوع جرم درباره محموم و جامعه صورت پذیرد. از جمله اهداف هر جامعه، زندگی اجتماعی مبتنی بر نظم و امنیت است. در جامعه ای که هنجارهای اجتماعی شکسته شود، انسجام اجتماعی از بین می رود و هرج و مرج سبب اختلال در نظم اجتماعی، مخدوش کردن حس اعتماد و اطمینان عمومی و در مواردی فروپاشی نظام اجتماعی می شود. لیکن در این پژوهش به نقش بزهکاری زنان در شهرستان آمل پرداخته و بزهکاری این قشر از جامعه را از زوایای مختلف مورد تحلیل قرار دادیم.

واژه های کلیدی: بزهکاری زنان، جرم، انحراف، اعتیاد، فقر، فحشاء، شهرستان آمل.

۱- مقدمه

تدوین قواعد و قوانین حاکم بر زندگی جمعی و الزام افراد به رعایت این قوانین از سوی نمایندگان و مجریان قانون، موضوعی است که تاریخی به قدمت شکل‌گیری زندگی جمعی و گروهی انسان دارد. کنترل رفتارها مطابق با معیاری و ملاک‌های مورد قبول دیگران از سوی مراجع مختلف خارجی، شیوه‌ای است که با اندکی تأثیر به کار برده می‌شود.^۱

چرا که این روش‌ها تنها در صورتی کارایی خواهد داشت که رفتاری مخالف با قوانین حاکم‌ری جامعه رخ داده و امکان جلب و دستگیری فرد خاطی و مجازات او فراهم باشد. کنترل رفتارها از سوی مراجع خارجی با تشریفات مختلف و گاهی با تناقض قانونی همراه است. مجریان قوانین از آن جهت که انسان‌اند ممکن است عمداً یا سهواً نماینده مناسبی از سوی قانون نبوده و خود اعمالی خلاف قانون مرتکب شوند. اصلاحات مکرر قوانین بر حسب مقتضیات زمان، بیانگر امکان وجود نقایعی است که انسانها همواره در تلاش‌اند آنها را مرتفع نمایند.^۲

شرایط، زمانی پیچیده‌تر می‌نماید که سعی بر بررسی زنان محرم باشد چرا که نقش زنان در شکل‌گیری، پایداری و استقرار خانواده از یکسو و انجام دوام و پایداری خانواده از سوی دیگر غیر قابل‌تردید و انکار است. زنان به عنوان اپناگران نقش‌های تربیتی در کانون خانواده و جامعه اولویت ویژه دارند و بیش از پیش موضوع توجهات تربیتی و آموزشی باشند. توجه پژوهشگران برای ریشه‌یابی آسیب‌های اجتماعی توجهی چندجانبه بوده است.

نسبیبی بودن قوانین و تأثیر نارسای آن در کاهش جرائم باعث می‌شود همواره حکایت تلخ بروز جرائم تکرار شود و سنگینی بار آسیب‌های اجتماعی بر دوش جامعه فزونی یابد. عوارض نامطلوب دردها و معضلات اجتماعی که جامعه همواره مجبور به تحمل آن است باعث شده است گروه‌های پژوهشی در قالب فعالیت‌های علمی و تحقیق در پی یافتن علل و انگیزه‌های ارتکاب جرم باشند. تا راهکارهای مناسبی را برای رهایی از این آسیب‌ها بیابند. طبق موازین حقوقی، جرم عملی است که بر خلاف یکی از موارد قانونی مجازات عمومی هر کشوری باشند و مجرم کسی است که در زمان معینی عملی برخلاف مقررات قانونی کشور انجام دهد. وقوع جرم نه تنها نظم و آرامش و سلامت جامعه را بر هم می‌زند بلکه خصارت روحی و جسمی و مادی نیز به افراد و آزادی و استقلال آنها وارد می‌نماید. متأسفانه تاکنون بیشتر اقدامات برای حل مشکل بزهکاری و آسیب‌های این‌چنینی، جنبه قضایی و انتظامی داشته و کمتر به راهبردهای تربیتی و اصلاحی و جوانب پیشگیرانه توجه شده است. توجه به جوانب قضایی و انتظامی از طریق اصلاح و تغییر در قوانین و مقررات، عمدتاً از راه تشدید آنها و یا افزایش توان کنترل شرایط و افراد صورت می‌گیرد.

این اقدامات در جهت افزایش کنترل‌های خارجی بر رفتار انسان می‌باشد. در مقابل توجه به اقدامات اصلاحی و تربیتی از طریق تقویت کنترل‌های درونی رفتار قرار دارد که در جهت افزایش مبانی شناختی و روانی حاکم بر رفتار است. توجه به مطالعات و تحقیقات گسترده با استناد به آخرین داده‌ها و تازه‌ترین اطلاعات و توجه به جوانب آسیب‌شناختی، سبب شناختی و درمانی از ابعاد روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی ضروری به نظر می‌رسد. هر اقدام تربیتی و هر فعالیت اصلاحی واجد حساسیتی ویژه است.

این حساسیت از آن جهت با عوامل درونی کنترل رفتار یعنی شناخت‌ها و عواطف سر و کار دارد شکلی متفاوت به خود می‌گیرد و آنگاه که موضوع مورد مطالعه مجرمین باشند مضاعف می‌شود.^۳

^۱ * اجلائی، پرویز، (۱۳۸۳) نگاهی به آمار جرایم در ایران، مجموع مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران.

^۲ تهران، انتشارات آیت‌الهی، علی اصغر (۱۳۸۶) بررسی توزیع پارکندگی آسیب‌های اجتماعی استان گلستان، روزنامه گلشن مهر، شماره ۳۴۱

^۳ آبوت پاملا، والاسی کلا، (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی

عده ای عقیده دارند که تنها مردان مرتکب جرم می شوند در حالیکه زنان به عنوان موجودی باحساسیت بیشتر از نظر جسمی، اجتماعی و روانی بیشتر در معرض ارتکاب به جرایم قرار دارد و امروزه آمار جرایم زنان حاکی از پیشرفت آن دارد. بزهکاری زنان در گذشته تنها در شهرها و کشورهای کوچک رایج بوده است اما امروزه جرایم زنان مباحثه به شهرهای بزرگ نمی گردد بلکه در شهرهای کوچک هم رایج شده است، مسائل و مشکلات اجتماعی در هر جامعه ای هم چون فقر، اعتیاد، ناامنی، عدم اشتغال، اختلافات خانوادگی و . . . هم به شکل مستقیم منجر به واکنش زنان و بزهکاری در آنان می گردد و هم به شکل غیر مستقیم منجر به بروز مشکلات روانی هم چون افسردگی و پرخاشگری می گردند که به طور جداگانه ای بزهکاری در زنان را نشد. با من ساند. ما کن نت های زیادی صورت گرفته تا عوامل محرک بزهکاری در زنان کشف کرده و روی این عوامل، شکل جداگانه ای تحقیق و بررسی شود و نیز این تحقیقات در اختیار به نامه ایران و مسولان ام سی و فرهنگی و کلیه اشخاص در حوزه نظری و اجرایی جامعه قرار گرفته است تا به نگاه بنیادی در صدد حل این مشکل برآیند. با وجود تلاش های به عمل آمده در این حوزه، تا که موفقیت چندانی حاصل نگردیده است. در واقع همزمان با جهانی شدن و پیشرفت حومه . . . و ه های بزهکاری نیز گسترش یافته و راهکارهای ریشه کنی آن را پیچیده تر کرده است. در تحقت به بررسی عوامل موثر در بزهکاری زنان در شهرستان آمل می پردازیم. و امید این دهه ی تضادات بتواند مورد استفاده قرار گیرد تا جامعه زنان بتوانند راه درست و صحیح گام بردارند.

عصر ما عصر اضطراب و گسیختگی ها است. دلهره ها و نگرانی های حاصل از شرایط نامبارک این عصر به، اضمحلال تدریجی عواطف و قحطی فضایل بشری و روابط سالم انسانی و آرامش واقعی جان انجامیده است. کرامات انسانی مورد آماج تیرهای زهر آلوده کینه توزی ها، عداوتها، حقارت ها و جاه طلبی ها و فزون خواهی ها قرار گرفته است و در معرض خطر است.

هدف این مقاله بر آن است که بزهکاری را در محدوده کمی و کیفی تعریف شده خود با دیدگاهی ریشه یابانه و علت جویانه بنگرد: چرا جرم؟ کدام جرم؟ در کدام زمینه و با کدام دلیل؟ چرا همه بزهکار نیستند؟ تفاوت ها در چیست؟

روش تحقیق

روش تحقیق استفاده شده در تحقیق حاضر از نوع همبستگی است. هدف تحقیق همبستگی عبارت است از درک الگوهای پیچیده رفتاری از طریق مطالعه تفاوت بین الگوها و متغیرهایی که فرض می شود بین آنها رابطه وجود دارد. این روش مخصوصا در شرایطی معتبر است که هدف آن کشف رابطه بین متغیرهایی باشد که در مورد آنها تحقیقاتی انجام شده است.

بزهکاری

بزهکاری از واژه لاتین «*reunquiled*» به معنای خطا کردن گرفته شده است. بزهکاری در فارسی سه معنا دارد که معنای اول آن مجرمیت، معنای دوم آن توده و جمع جرایم و معنای سوم آن مجموعه جرایم ارتكابی در زمان و مکان معین فارغ از نوع آن است. اقدام به عملی که بر خلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارها و ارزش فرهنگی هر جامعه باشد، در آن جامعه بزهکاری با جرم تلقی خواهد شد و کسانی که مرتکب چنین اعمال خلافی می شوند مجرم با بزهکار نامیده خواهند شد. در این تحقیق، منظور از بزهکاری کلیه اعمالی است که قانونگذار از آن به عنوان جرم نام برده و برای آن مجازات زندان در نظر گرفته است و

زنان جامعه آماری مرتکب آن شده و در نتیجه بازداشت شده اند.^۴ در این تحقیق برای سنجش آن، سؤالاتی درباره نوع جرم ارتكابی و سابقه ارتكاب جرم به کمک چهار گویه سنجیده می شود. بزه به معنای گناه و خطا و جرم است. بزهکاری مجرم کسی است که مرتکب چنین عملی می شود که بر طبق قانون برای آن مجازات تعیین گردیده است. در رویکرد حقوقی بزه تخطی از نظام هنجاری جامعه است که از طریق قانون جزا می تواند قابل پیگیری باشد. از نظر دکتر شهلا معظمی در قوانین داخلی مفهوم بزهکاری عبارتست: "از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتكاب عملی خطایی که الزاما عنوان جرم ندارد. معذک این اصطلاح غالبا معادل جرم و بویژه در ارتباط با جرایم اطفال و نوجوانان بکار برده می شود."^۵

بیکاری، بزهکاری

بنابر عقیده ی جرم شناسان، شرایط اقتصادی و فقر و بیکاری مستقیما از عوامل جرم زا نیستند و فقط به صورت غیر مستقیم ممکن است از موجبات بزهکاری باشند. جرم پدیده مجرمانه فرایند پیچیده ای است و از عوامل مختلفی ناشی میشود. هیچ گاه نمی توان برای یک پدیده مجرمانه دلیل منحصر به فردی ذکر کرد. همواره چندین عامل مختلف در کنار هم جمع شده و سبب بروز پدیده مجرمانه در فرد می شوند. اما میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بسته به مورد متفاوت است.

مشکلات ناشی از مهاجرت و شهرنشینی

مردم به دلایل مختلف که عمده ترین آنها فاصله‌ی در آمد میان شهر و روستا و معضل بیکاری می باشد، برای برطرف کردن نیازهای اقتصادی خود به شهرها مهاجرت و به دنبال این مهاجرت، معضلاتی را به اجتماع جدیدی که در آن ساکن می شوند، منتقل می کنند.

مطالعات انجام شده نشان می دهد که در نقاط توسعه یافته و پیشرفته و در جاهایی که فرصت های شغلی بیشتری وجود دارد، تعداد جرایم نیز بیشتر است. همچنین وجود قطب های کارگری و ظرفیت جذب کارگر می تواند به نوبه ی خود عاملی در ازدیاد جرایم شود. از جمله دلایل دیگری که مهاجرت را به عنوان عامل بزه کاری در کنار سایر عوامل قرار داده به خلاء روانی و پریشان خاطی ناشی از اسکان در محل جدید، اشتغال، عدم احساس تعهد نسبت و ناشناس بودن در میان جامعه و نیاز اقتصادی و معیشتی است. البته این بدان معنا نیست که خوی بزه کاری در میان مهاجران بیشتر است. بلکه عوامل و شرایط ویژه ای موجب افزایش بزه کاری در جوامع مهاجر پذیر می شود.^۵

جرایم زنان

در دهه هفتاد شواهدی از افزایش مشارکت زنان در رفتار جنایی دیده شد. پژوهشگران، رشد فزاینده جرایم زنان را به آزادی آنان در اشتغال خارج از خانه تضعیف مراقبت های اجتماعی و مشارکت فزایندهی آنان در بازار کار نسبت داده اند. آنها معتقدند که آزادی زنان در توسعهی توانمندی هایشان به منظور تحقق هدفهایی که در زندگی دارند. آنان را به طور همزمان در معرض ناکامی ها و فشار زندگی نیز قرار می دهد که در گذشته چنین مشکلاتی را به طور کلی تجربه می کردند. چنین تحولاتی زنان را در معرض فرصت هایی برای ارتكاب جرایم، به ویژه جرایم مالی قرار میدهد.

^۴ دور کیم، امیل. (۱۳۷۳) قواعد روش جامعه شناسی، ترجمه علیمحمد کاروان، تهران: دانشگاه تهران

^۵ ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی

به رغم کارکردهای مثبت و مناسبی که آزادی زنان به ارمغان آورده است. ارتباط بین آزادی زنان و افزایش میزان جرایم در میان آنان به ویژه در جوامع صنعتی آشکار است. با این حال، اگر چه سهم زنان در ارتکاب جرایم افزایش یافته است ولی هنوز میزان جرایم زنان کمتر از ۱۵ درصد میزان کل جرایم است. در این باره جامعه شناسان بر انتظارات تقسیم شده ای تاکید دارند که به صورت وجه بازی های مردان و زنان کاربرد دارد. مردسالاری و تبعیض با زنان موجب شد که در برابر خلائات مشابه مردان و زنان برای زنان مجازات های سنگینی در نظر بگیرند لذا تبعات منفی زندان برای زنان بیشتر از مردان بوده است ضمن این که آسیب های جدی روانی و اجتماعی بر زنان وارد می کند. بنابراین بررسی تحلیلی علمی وضعیت زندان زنان و بازنگری در مجازات زنان برای: این گروه متخلف ضروری به نظر می رسد. ^۶ فرایند زندان پذیر شدن با جامعه پذیری زنان در زندان یکی از موضوع های مورد بحث درباره ی زندان زنان است. زنان در زندان با فشارهای عصبی و مشکلات اجتماعی ای نظیر سلب آزادی، ممنوعیت ارتباط با خانواده و دوستان پیشین و تحمل روشهای انضباطی سخت مواجه هستند، که ناچار هستند از طریق جامعه پذیر شدن با هنجارهای حاکم در زندان دایمی جد پیا- و قابل تحمل برای خودشان بسازند، فرایند زندان پذیر شدن یا جامعه پذیر در زنان به نال گویی خرده فرهنگ های زندانیان) منتهی می شود که این خرده فرهنگ با هنجارها و ارزش های حاکم بر جامعه در تعارض است.

در این میان تفاوت های فردی زنان نوع شخصیت آنان، شیوه های جامعه پذیری قبل از ورود به زندان و ارتباطهای آنان با بیرون از زندان موجب می شود که فرآیندهای جامعه پذیری در زندان برای همه افراد به یکسان انجام نشده و برخی از آنان نتوانند دنیای اجتماعی زندان را نیول کنند. در نتیجه با فرسودگی روحی آیا محبوس کردن زنان متخلف به عنوان نوعی مجازات می تواند تاثیر بازدارندگی داشته باشد. در حالی که آمارها بیانگر آن است که، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کسانی زندان آزاد می شوند، بار دیگر مرتکب جرم می شوند. زندانی کردن زنان مجرم به عنوان روش مجازات، شیوه ای جدید و به توسعه ی اجتماعی دنیای معاصر مربوط می شود و روانی و سازگاری اجتماعی در زندان مواجه می شوند از طرف دیگر، افرادی که فرایند زندان پذیر شدن را به سهولت طی کنند و معیارهای اخلاقی دنیای اجتماعی زندان را بپذیرند این معیار اخلاقی به سرعت در آنان نهایی می شوند در نتیجه پس از آزادی از زندان چون به این دنیای اجتماعی وابسته می باشند، طبعاً پیامد این وابستگی ارتکاب مجدد جرایم است.

خرده فرهنگ زندانیان نه تنها فقط تجربه های درون زندان، بلکه از الگوهای رفتاری محیط بیرون از زندان هم که زندانیان، خودشان به زندان می آورند. شکل می گیرد خرده فرهنگ زندانیان ترکیبی از چندین نوع خرده فرهنگ هایی است که در خارج از زندان وجود داشته اند و به وسیله افراد وارد زندان شده اند. با توجه به وجود خرده فرهنگ زندانیان، حتی اگر سازمان رسمی زادن در ماه های تربیتی آموزشی اصلاحی و باز پروری داشته باشد. این برنامه های با خرده فرهنگ زنیان در تضاد قرار گرفته و چنانچه فرایند زندان پذیر شود برنامه های باز پروری و اصلاحی زندان با شکست مواجه خواهد شد.

عوامل اجتماعی - دموگرافیک مرتبط با جرم و بزهکاری در زنان مجرم در شهر آمل

جرم و بزهکاری یکی از معضلات روزافزون جوامع امروزی است. هدف اصلی مطالعه حاضر، تعیینبرخی از مراحل اجتماعی دموگرافیک مرتبط با جرم و بزهکاری در زنان مجرم زندانی است جرم (Crime) رفتاری است که خلاف نظام موجود حاکم

^۶ محسنی، منوچهر، پور رضا انور، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، ازدواج و خانواده در ایران، تهران: انتشارات آرون.

باشد و به وسیله مقامات صالحه برای آن، مجازات با راههای اصلاحی دیگر پیش بینی شده باشد ۱. جرم یکی از معضلات فرهنگی و اجتماعی جوامع امروز است. در کشورهای مختلف به دلایل متعدد از جمله ضعف ساختارهای خانواده، فقدان با کمبود تقیدات مذهبی و اخلاقی، مشکلات اقتصادی و . . . ، جرم و جنایت از مشکلاتی است که دغدغه مهم بهداشت روانی متخصصان علوم رفتاری را تشکیل می دهد. بدون مورد شیوع رفتارهای بزهکارانه موجب بر هم خوردن روابط اجتماعی سالم شده و امنیت اجتماعی را مختل می نماید. در نتیجه احساس امنیت فردی نیز که مبنای بهداشت روانی افراد است، آسیب می بیند. بهداشت یک کلیت تفکیک ناپذیر است. سلامت جسمانی منوط به سلامت روانی و هر دو وابسته به سلامت اجتماعی است. در جامعه ای که انحرافات و جرم شایع است. انتظار رشد و توسعه انسانی و اجتماعی بعید به نظر می رسد. از طرفی دیگر در دیدگاه تربیتی، زنان مبنای رشد و توسعه انسانی هستند و بنیان خانواده بر توانایی های زن استوار است. بنابراین با نقشی که زن در جامعه و خانواده دارد اگر به انحطاط و سقوط سوق داده شود، پی آمدهای فراوانی خواهد داشت که از هم پاشیدن شدن کانون گرم خانواده، تربیت فرزندان ناسالم و به خطر افتادن بهداشت روان از جمله آنها می باشد ۳: گر چه مطالعات انجام شد، در خصوص مقایسه میزان جرم در زنان و مردان نشان می دهد که تعداد زنان بزهکار نسبت به مردان خیلی کمتر است. اولی شیوع جرم و بزهکاری در زنان، شاخص مهم آسیب شناسی و بیانگر وخامت وضعیت اجتماعی است. بررسی های روانی اجتماعی جرم نشان داده است عوامل متعددی نظیر: عوامل نوروپسیکولوژیک، ویژگیهای شخصیتی. مشکلات اقتصادی اجتماعی و فقره، فقدان روابط گرم و صمیمی با همسر و سایر اعضای خانواده ۷ اختلالات روانی و عقب ماندگی ذهنی و عدم تکوین شخصیت و تلقین پذیری و با جرم زنان ارتباط دارد.

مشکلات ناشی از سیاست گذاری و اشتغال زایی دولت

سیاست گذاری های نادرست دولت به خصوص در زمینه اشتغال زایی یکی دیگر از عوامل است که موجب افزایش بیکاری و به تبع آن فقر و در صورت جمع شرایط لازم افزایش بزه کاری در جامعه می شود. برای این که نرخ بیکاری از ۱۵/۱۰ درصد بالاتر نرود سالانه نیازمند ایجاد ۷۹۰ هزار شغل جدید و در کل ۳۸۲۵ هزار شغل جدید در طول برنامه هستیم و با عنایت به برنامه ی دوم توسعه در ایجاد مشاغل جدید که به طور متوسط ۱۸۰ هزار شغل در سال بود، مشخص می گردد که در برنامه سوم توسعه هدف گذاری بالایی در زمینه اشتغال صورت گرفته است ولی ارزیابی های کارشناسانه نشان می دهد که این برنامه قدرت تحول در اقتصاد کشور را به این میزان ندارد و برای دستیابی به این اهداف سیاست های کارآمد دیگری لازم است. ۷

ارتباط بیکاری و بزه کاری در زنان

بزه کاری زنان چهار خصوصیت دارد: ۱-میزان و سهم کم آنها در پدیده مجرمانه. ۲-خاص بودن بزه کاری زنان. ۳- تمایل زنان در معاونت در جرم. ۴ - میزان کم تکرار جرم در زنان بزهکار در اکثر موارد زنان تمایل به معاونت در جرم دارند و این تمایل فقط در قلمرو جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی صادق است. در خصوص تکرار جرم میان مردان و زنان بزه کار شباهت وجود دارد ولی در کل تعداد زنان بزه کار کمتر از مردان بزه کار است. طبق گفته ی بیس سازمان زندان ها تعداد زنان زندانی پنج درصد در کل کشور می باشد. البته بزهکاری زنان در اکثر موارد پنهان می ماند زیرا بر طبق فرهنگ و

۷ نبی، محمد تقی (۱۳۸۰)، جامعه شناسی زنان و خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار

آداب و سنن ایرانی به جرائم زنان با دیده اغماض نگریسته می شود و سعی می شود در مراحل ابتدایی تحقیقات و رسیدگی حل و فصل شود. از طرفی پوشش و فیزیولوژی زنان به گونه ای است که مانع از افشا شدن سریع جرم ارتكابی آنان می گردد. اطلاعات آماری زندانیان ایران در ۹ ماه اول سال ۱۳۸۲ نشان می دهد که بیش از ۹۹ درصد از مجرمانی که به مجازات حبس محکوم شده اند. مرد می باشند. جرم و بزهکاری یکی از معضلات روزافزون جوامع امروزی است. هدف اصلی مطالعه حاضر، تعیین برخی از مراحل اجتماعی دموگرافیک مرتبط با جرم و بزهکاری در زنان مجرم زندانی است جرم (Crime) رفتاری است که خلاف نظام موجود حاکم باشد و به وسیله مقامات صالحه برای آن، مجازات با راههای اصلاحی دیگر پیش بینی شده باشد^۱. جرم یکی از معضلات فرهنگی و اجتماعی جوامع امروز است.

عوامل ایجاد تفاوت در نسبت جرائم زنان و مردان :

همواره میزان جرائم گزارش شده کمتر از حد واقعی آنان است. با توجه به این زنان نسبت به مردانه شش سال زودتر مسئولیت کیفری پیدا می کنند و میانگین عصر آنان پنج سال بیشتر از مردان است. یعنی یازده سال بیشتر فرصت جرم دارند). . . تفاوت میزان واقعی جرائم و آمار گزارش شده در ارتباط با جرائم زنان بیشتر مشهود است زیرا:

۱- اکثر شاکیان در مورد زنان از شکایت خود صرف نظر می کنند. " ۲- شرکا و معاونین جرم معمولا مسئولیت جرم زنان را به عهده می گیرند. ۳- پلیس، دادسراها و دادگاهها، نسبت به جرم زنان ارفاق می کنند.

- زنان معمولا با طرح نقشه مردان را به دام انداخته و آنان را وادار به ارتکاب به جرم می نمایند.

- زنان کمتر از مردان در معرض تصادم ها و کشمکش ها قرار دارند.

- برخی از جرائم مانند سقط جنین و اعمال منافی عفت آنقدر مخفیانه است که احتمال دستگیری مجرمین بسیار اندک است. تبجر، فرم و شکل لباس زنان نیز مانع از کشف جرائم آنان می شوند. ارتکاب جرائم غیر جنسی در زنان کمتر است چون هر آنچه را بخواهند می توانند از طریق جنسی بدست آورند.

و در زنان روحیه پرخاشگری و تهاجم کمتر دیده می شوند بنابراین جرم بدون دستگیری بیشتر رخ می دهد.

محکومیت به حبس زنان در شهرستان آمل

با ورود به حیطه علت شناسی جرایم، می توان تفکیکی منطقی میانجرایم زنان و مردان بافت، در سراسر جهان بررسی جرایم ارتكابی زنان و مردان مبین وجود رابطه ای مسلم میان این جرایم و نقش جنسیتی مرتکبانان است. آمارهای جرایم زنان در کشورها مبین آن است که بسیاری از جرایمیک، زنان در آن مباشرت یا مشارکت داشته اند. به نقش جنسیتی آنان ارتباط دارد. به عنوان نمونه، می توان به جرایم علیه کودک نوزاد کشی، سقط جنین غیر قانونی و روسپیگری اشاره کرد. علاوه بر خاص بودن اغلب جرایم ارتكابی از سوی زنان، تمایل آنان به معاونت در ارتکاب برخی جرایم، از جمله جرایم علیه اشخاص، اخلاق و عفتعمومی نیز قابل تأمل است. موضوع دیگر آن که زنان به علل گوناگون، معمولا جرایمی را مرتکب می شوند که به توانایی جسمانی کمتری نیازمند است و از این رو بزهکاریشان معمولا کمتر خشونت بار و اغلب با خدعه و نیرنگ توأم است.

جرم شناسی برای جرایم زنان، توصیه های مناسبی ارائه نکرده است: در حقیقت جرم شناسی سنتی بر پیش داوری مردانه مبتنی است؛ بدین صورت که مبتکر و هم چنین موضوع آن مردان اند. به عقیده ای اسمارت یکی از عوامل جرایم زنان را می توان در جامعه پذیری نقش های جنسیتی و اشکال مردان بر جامعه یافت. به عقیده ای محقق، یکی از جنبه های فوق

العاده مهم جامعه پذیری دختران، محدودیت هایی است که بر آزادی عمل و رفت و آمد آنان وارد است. توانایی دختران برای به جرم به طور ساختاری محدود شده است. آنان به ساختارهای فرصت های نامشروع با ارتکاب جرم به طور، یادگرفتن و درگیر شدن در بزهکاری دسترسی ندارند. جرایم مردانه نیز در سال های اخیر به شدت افزایش داشته است. با لحاظ و رشد جمعیت طی در دو دهه اخیر، مسائل مربوط به کمبودهای مالی و بحران اقتصادی مانند فقر، کاهش قدرت خرید بی خانمانی و کمبودهای غیر مادی مانند مسائل فرهنگی، مهاجرت و اختلافات طبقاتی فاحش این گفته که با افزایش آزادی زنان ایشان به همان نسبت شکل های بزهکاری مردانه را بیشتر بروز می دهند، جسمان قابل اثبات و پذیرش نمی باشد.

اقسام سرقت در زنان

- ۱- جیب بری: اینگونه زنان معمولاً لباس های فاخر می پوشند، خود را آرایش می کنند و در محل های خرید و مغازه ها، سوپر مارکت ها، باسازها و بازارها با مهارت گیف زن های دیگر را باز می کنند و محتویات آن را می ربایند. از جمله محل های دیگر مناسب برای سرقت زنان، داخل آسانسورها و وسایل نقلیه عمومی می باشد.
- ۲- سرقت از منازل: زنان معمولاً در سرقت از منازل نقش شریک جرم را داشته و همکار سارق اصلی هستند. بیشتر سرقت های مستقل از سوی زنان مستخدم منازل صورت می گیرد که اشیای سبک و قیمتی و جواهر و پول را می دزدند.
- ۳- سرقت از مغازه ها: از جمله سرقت های شایع در زنان سارق. سرقت از مغازه ها می باشند. این نوع سرقت در شهرهای پرجمعیت هم توسط حرفه ای ها و هم توسط سارقین عادی صورت می گیرد. این سارقان معمولاً فروشنده ها را فریب میدهند سپس سرقت می کنند که عموماً به دو شکل زیر دیده می شود
الف) زدن دخل (صندوق پول) که با اغفال فروشنده و دور کردن او از صندوق انجام می گیرد.
این زنان به صورت گروه های سه نفری یا بیشتر عمل می کنند.
اینان با هم وارد مغازه می شوند، یکی با دو نفر مغازه دار را مشغول می نمایند و دیگری سرقت را انجام می دهند.
ب) شکل دیگر سرقت به صورت انفرادی است که بیشتر اشیاء و لباس ها را پوشیده و به نحوی از مغازه خارج می شوند.
- ۴- سرقت اتومبیل: در این نوع سرقت زنان و دختران معمولاً معاون بوده و با روش های مختلف مثل سوار شدن در اتومبیل ها سعی در اغفال راننده داند.
- ۵- سرقت مسلحانه: در این نوع سرقت ها نیز زنان معاون بوده و به سارق اصلی کمک میکنند.
- ۶- از اقسام دیگر سرقت: حمله به بانک ها و مغازه ها، حمله به عابرین در خیابان ها، حمله به روستاییان و غارت اموال آنها می باشد که حضور زنان در این نوع سرقت ها بسیار کم است.

بحث و نتیجه گیری

از بررسی ها چنین بر می آید به رشد جرائم زنان در امل نسبت به مردان پایین تر است اما روند رشد و جرائم زنان در شهر امل در سال های اخیر محسوس است. جرائم زنان اگر چه با میزان عمال منافی عفت شناخته شده می شود. در بسیاری از موارد همانند اکثر جرائم مردان، با مسائل اعتقادی صورت می گیرد. این تشابه به ظاهر منطقی است اما تجمل گرایی در زنان در شهر امل با جاء طلبی در مردان < جاه طلبی در مردان که ریشه مقاصد مالی آنان است تفاوت فراوان دارد. امروزه علاوه بر اعتیاد، فحشاء، سرقت و قتل نیز در بین جرائم زنان در این شهر قوت گرفته است و این چهار جرم در ارتباط تنگاتنگ با

یکدیگر و معمولاً تقویت کننده هم هستند. فحشا عاملی برای قتل، روشی برای سرقت و زمینه ای برای اعتیاد است اعتیاد سر پوشی برای فحشا، بهانه ای برای سرقت و تمشوقی برای قتل است. سرقت نیز در کنار قتل ارتباط زنجیر ای با دو جرم دیگر درد. ورود زنان در این شب به جمعیت فعال جامعه و توان زنان در تحصیل در آمد از طریق فحشا، می تواند یکی از عوامل افزایش جرم در بین آنها باشد. آمار نشان می دهد میزان جرائم زنان در جرم های شدید بیش از ۱۰٪ و در جرائم مالی بیش از ۱۳٪ افزایش یافته است. متلاشی شدن خانواده ها، از بین رفتن بخشی از نیروی انسانی، تزلزل ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و از دست دادن سرمایه های مادی و معنوی از جمله عواقب آن است. پس از جنگ تحمیلی، افزایش نرخ بیکاری، مهاجرت های ناشی از جنگ و تراکم جمعیت در مناطق حاشیه نشین این شهر باعث شد بسیاری از گروه های فاقد ثبات اقتصادی و اجتماعی در معرض آسیب نظام سنتی زن را از لحاظ اقتصادی وابسته و نابع مرد تربیت می کند و این وابستگی در میان برخی از اقشار اجتماعی بیشتر است.

پس هر حادثه ای که این تا حادثه ای که این تکیه گاه را سست نماید و یا از میان بردارد (مانند بی سرپرستی، طلاق، فوت سره ترک همسر و...) می تواند زنان را در معرض خطر از دست دادن موقعیت خود قرار دهد. که در تحقق حاضر به بررسی آسیب شناسی و جرم شناسی بزهکاری زنان شهرستان آمل پرداخته که فرضیه های تحقیق عبارت است از بین فقر و فحشا و اعتیاد زنان رابطه وجود دارد و همین طور بین سرقت و اعتیاد رابطه وجود دارد که جامعه مورد مطالعه عبارت است از زنان بزهکار شهرستان آمل که ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیده و آزمون جرم شناسی در جنبه های اعتیاد، سرقت فحشا بر روی آنها اجرا گردیده نتایج بدست آمده نشان می دهد بین فقر و فحشا و اعتیاد و همین طور بین فقر اقتصادی و جرائم بین فحشاء و اعتیاد از سوی بزهکاری زنان معنی داری وجود دارد. ارتکاب جرم و خلاف به قشر یا جنس خاصی تعلق ندارد. هر فرد باتوجه به موقعیتی که در آن قرار می گیرد ممکن است فرصت های برای ارتکاب عمل خلاف بیابد اما در بین شرایط نامساعد اجتماعی و اقتصادی می توانند به صورت عوامل مستعد کننده ارتکاب جرم در آیند و میزان لمرتکاب جرایم را افزایش دهند. برخورداری از زندگی مناسب هدفی مورد تأیید اجتماعی است. حال اگر رسیدن به این هدف از راههای مشروع و پسندیده غیر ممکن شود چه بسا افرادی دست به ارتکاب برای رسیدن به این هدف می زنند. فقدان راه های مشروع با دشواری طی این راه ها عاملی است که به تشدید انحرافات کمک می کند زیرا شدید انحرافات کمک می کند زیرا اعمال انحرافی خود به نوعی مبارزه با جامعه ای است که موقعیت ها و راه های رسیدن به آن موقعیت ها و راه های رسیدن به آن اهداف را محدود می سازد. عوامل متعددی دارد عوامل متعددی دارد که دست به دست هم می دهند و زمینه را برای بروز آن جرم و بزه کاری سازند. اما در هر مورد، بسته به شرایط، نقش یک عامل از همه بارزتر است. فقر اقتصادی، بیکاری، اشتغال های کاری، اشتغال های نامناسب، بی سواد و ناآگاهی اجتماعی، وضعیت زندگی کمک به افزایش جرم کرده و سکونت که خود از عوامل اقتصادی سرچشمه می گیرد از جمله عواملی هستند که به زیاد شدن جرم کمک می کنند. هیچ یک از این عوامل به تنهایی موجب بروز بزه نمی شوند. اما اگر عوامل مساعد کننده وجود داشته باشد هر یک از این عوامل می توانند نقش تعیین کننده ای در گرایش فردی به سوی کجروی داشته باشند. با توجه به مطالب گفته شد طالب گفته شده مؤثرترین راهکارها در برطرف ساختن هر چه بیش معضل بیکاری وال آن افزایش جرایم، اصلاح قوانین و مقررات مشکل آفرین و بهبود دهنده سیاست گذاری های دولت در زمینه اشتغال زایی می باشد.

زنان نیمی از جمعیت جامعه ی بشری را تشکیل می دهند و در ادامه ی حیات انسانی به اندازه ی مردان نقش دارند بررسی مشکلات و معضلات جامعه ی زنان که مریبان اصلی فرزندان در خانواده هستند، ازاهمیتی به مراتب بیشتر از دشواری های

زندگی مردانه برخوردار است زیرا مواجه شدن زنان با مشکلات فردی و اجتماعی به ویژه از جنبه ی اخلاقی و اجتماعی کل جامعه را با خطر روبرو می سازد. حفظ حریم خانواده و مسایلی که در رابطه با عفاف و پوشیدگی زنان در سراسر تاریخ مطرح بوده جزو مهمترین مباحث علوم انسانی است و تاریخ ادبیات مشحون از داستان هایی است که به جهت از بین رفتن این حریم و عفاف شکل گرفته و بعضا مسیر تاریخ را تغییر داده است. تحقیق حاضر با هدف تبیین مشکلات و دشواری هایی که تحت عنوان بزه و جرم بر سر راه زنان قرار میگیرد و در زندگی فردی و اجتماعی آنان تاثیر می گذارد، انجام شده است و به بررسی ریشه ها و علل جرم و بزهکاری در زنان می پردازد و در نهایت به ارایه ی راهکارها و درمان پیشگیری از جرم و بزه منجر می شود. مسیله جرم و بزهکاری، که در پی مسایل و مشکلات اجتماعی مختلفی باعث آسیب های اجتماعی می شود منحصرا به مردان نیست. زنان نیز از صدمات این مشکلات اجتماعی مصون نیستند و زندگی آنان، به دلایل بعد نقش ها و مسیولیت هایشان، که با توجه به ساختار طبقاتی آنها شکل می گیرد، بر اثر آنها دستخوش بحران و نابسامانی می گردد. اما به مسایل و مشکلات زنان، به دلیل برخی محظورات و قیود ناشی از فرهنگ جوامع سنتی و شرایط اجتماعی پرداخته نشده و در قیاس با سایر مسایل اجتماعی، اهمیت کمتری یافته است. و از آنجایی که در هیچ جامعه ای نمی توان به طور مطلق جرم را از میان برد، پژوهش در زمینه علل ارتکاب جرم می تواند راهگشایی برای جلوگیری از ازدیاد جرم برای جوامع باشد. اقدامات پیش گیرانه بهمثابه ی واکسیناسیون جامعه در مقابل جرم است. و چه بسا به دو صورت پیشگیری قبل از تحقق جرم و پیشگیری از افزایش آثار مخرب جرم و بعد از تحقق جرم، درباره جامعه و مجرم صورت پذیرد. و لازمه به کار بستن این راهبردها این است که در گام نخست عوامل بزهکاری زنان را مورد بررسی قرار داده و آنگاه به راهکارهای جرم شناختی پیشگیرانه این پدیده پرداخت.

منبع:

۱. نظریات اداری حقوق قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول سال ۱۳۷۳.
۲. آشوری، محمد. لزوم جبران خسارت زندانیان بی گناه، مجله دانشکده حقوق، ش ۱۶. سال ۱۳۵۲.
۳. امیدی، جلیل. دادرسی کیفری و حقوق بشر. نشریه مجلس و پژوهش. سال ۱۰. ش ۳۸.
۴. فلاح زاده، محمدعلی. بررسی تطبیقی منع شکنجه و هتک حرمت و حیثیت در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازاتهای بی رحمانه، سال ۱۳۸۵. دانشکده علوم سیاسی و حقوق دانشگاه تهران.
۵. محسنی. مرتضی. کلیات حقوق جزا. تهران. انتشارات گنج دانش. چاپ چهارم. جلد اول سال ۱۳۸۵.
۶. هاشمی، سید محمد. حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت. تهران انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران سال ۱۳۸۳.
۷. نوربها، رضا. حقوق جزای عمومی. نشر دادآفرین. سال ۱۳۷۸.